

ابعاد حقوقی استیذان رئیس قوه قضائیه از رهبری در برخورد با اخلاطگران

نظام اقتصادی

(نوع مقاله: علمی - پژوهشی)

بیژن عباسی*

امیرعباس عبدلی^۱

چکیده:

حکم حکومتی از اختیارت رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران است که مبتنی بر اصول ۵، ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی و قلمرو فقهی شیعه به عنوان یک اصل راهگشا پذیرفته شده است. بر همین اساس درخواست از ایشان برای صدور حکم حکومتی جهت حفظ جایگاه عالیه رهبری، می‌تواند مبتنی بر دو ضابطه شرایط استثنایی و شرایط اضطراری معنا یابد. استیذان رئیس وقت قوه قضائیه از رهبری در برخورد با اخلاطگران نظام اقتصادی را می‌توان با توجه به اصل تعامل قوا در قانون‌گذاری مبارزه با فساد در سایه بند دوم اصل ۱۵۸ قانون اساسی و اصل ۷۴ مورد تحلیل انتقادی قرار داد. از سویی نیاز به فوریت قانون‌گذاری در برخورد با مفسدین اقتصادی را در لوای اصل ۹۷ قانون اساسی و آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مورد بررسی قرار داد. مسیر دیگر استیذان رئیس قوه قضائیه را می‌توان از طریق بند ۸ اصل ۱۱۰ قانون اساسی و در قالب حل معضلات نظام ترسیم نمود. بُعد حقوقی نهایی این استیذان تحلیل دادرسی افتراقی جرایم اخلاطگران نظام اقتصادی است که در اصلاحیه استیذان تلاش شده است تا ضمن حفظ چهارچوب‌های دادرسی عادلانه ابعاد خاص دادرسی این جرایم از قبیل توجه به امنیتی بودن، سرعت در رسیدگی و مطالبه عمومی برای مجازات نیز در نظر گرفته شود.

کلیدواژه‌ها: استیذان، حکم حکومتی، اصول قانون اساسی، رهبری، رئیس قوه قضائیه

Email: babbasi@ut.ac.ir

*. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

Email: amirabbas.abdoli@ut.ac.ir

^۱. کارشناس ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران